

سازمان یابی کارگران؛ بالندگی تجربه و آگاهی

اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان در سال ۱۳۰۸

روایت اعتصاب^۱

در ابتدای سال ۱۳۰۸، جان کدمن^۲ برای مذاکره جهت تمدید قرارداد داری^۳ وارد ایران شده بود. سازمان دهندگان کارگری شرکت نفت ایران و انگلیس، مقدمات اعتصابی را برای روز جهانی کارگر تدارک می‌دیدند که علاوه بر خواسته‌های رفاهی، استعمار انگلیسی‌ها را نیز هدف گرفته بود. سازمان دهندگان کارگری دستگیر شدند پیش از آنکه اقدامی انجام دهند. کارگران تصفیه خانه آبادان در جهت خواسته‌های خود و در اعتراض به دستگیری‌ها در روز ۱۳ اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. کارگران خواسته‌های رفاهی خود را با تجمع در جلوی تصفیه‌خانه بیان کردند:

آزادی کارگران دستگیر شده، افزایش دستمزد، برخورداری از مرخصی سالیانه، لغو جریمه‌های نقدی، تهیه مسکن برای کارگران، تأمین وسیله‌ی ایاب و ذهاب، دسترسی به آب آشامیدنی، توقف اخراج‌ها و بلک‌لیست کردن کارگران، اصلاح وضعیت بیمارستان شرکت، توقف توهین و بی‌احترامی به کارگران، به رسمیت شناختن اتحادیه، برخورداری از بیمه‌ی حوادث و پیری، اعطای خسارت به حادثه‌دیدگان، کاهش ساعت کار، تأسیس تعاونی مصرف کارگران.

نیروهای پلیس در ابتدای اعتصاب به علت کمبود نفرات نتوانستند بر اعتصاب غلبه کنند. در مقابل، کارگران در اثر نارضایتی عمومی از ظلم انگلیسی‌ها توانستند حمایت مردم آبادان را جلب کنند. اعتصاب به تظاهرات خیابانی منجر شد. حدود ۲۰ هزار نفر در این اعتراض شرکت کردند و همسران کارگران با سخنرانی‌های تهییجی خود نقش مهمی در ادامه‌داشتن اعتراضات ایفا کردند. مقامات شهر با تهدید قصد پایان دادن به اعتصاب را داشتند اما موفق نشدند. اعتصاب سه روز ادامه داشت. مقامات انگلیسی شرکت نفت که به وحشت افتاده بودند، اعزام نیرو از شهرهای دیگر را درخواست کردند. در روز ۱۵ اردیبهشت خبر ورود کشتی‌های جنگی دولت انگلیس به آب‌های ایران منتشر شد. سربازان اضافه شده از شهرهای دیگر به کارگران اعتصابی حمله کردند و کارگران نیز به دفاع از خود پرداختند.

اعتصاب ۱۳۰۸ و مبارزه‌ی کارگران شرکت نفت در مکتوبات زیر توصیف شده است:

خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی)، شوق یک خیز بلند (جلیل محمودی، ناصر سعیدی)، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران (ویلم فلور، ترجمه ابوالقاسم سری)، اعتصاب کارگران نفت جنوب سال ۱۹۲۹ (اردشیر آوانسیان)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران (حبیب لاجوردی)، اعتصاب ۱۳۰۸ پالایشگاه آبادان (استفانی کرونین، ترجمه عرفان آقایی)

^۲ Jhon Cadman

^۳ مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۰ شمسی امتیاز انحصاری استخراج و بهره‌برداری از نفت در تمام ایالات را به ویلیام ناکس داریسی انگلیسی اعطا کرد. مدت این امتیاز ۶۰ سال بود. سال‌ها بعد، نارضایتی دولت رضاشاه از میزان ۱۶ درصدی سهم ایران و نارضایتی انگلیسی‌ها از مدت قرارداد منجر به مذاکرات ۱۳۰۷ شد. سی‌سال اول قرارداد در ۱۳۱۰ به پایان می‌رسید و انگلیسی‌ها می‌خواستند قرارداد جدیدی بنویسند و مدت آن را تمدید کنند. کشمکش میان دولت در سال ۱۳۱۱ منجر به لغو قرارداد داریسی توسط رضاشاه شد اما یک‌سال بعد تهدید ضبط دارایی‌های خارجی ایران و همچنین ورود نیروی دریایی انگلستان به خلیج فارس منجر به عقب‌نشینی رضاشاه شد. قرارداد ۱۳۱۲ سهم ایران را از ۱۶ به ۲۰ درصد رساند و مدت قرارداد تا سال ۱۳۷۱ تمدید گردید. در نهایت در سال ۱۳۲۹ نهضت ملی‌شدن صنعت نفت به پیروزی رسید و قرارداد ۱۳۱۲ لغو گردید.

در روز آخر اعتصاب، کارگران در مسجد سلیمان و نواحی نزدیک آبادان نیز دست به اعتصاب زدند. در نهایت با دستگیری ۳۰۰ نفر از کارگران و زور سر نیزه اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان پایان یافت. بیشتر زندانیان پس از دو ماه شکنجه و بازجویی آزاد و سپس تبعید شدند. اگرچه اعتصاب پایان یافته بود اما فضای عمومی خوزستان همچنان تحت تأثیر آن بود به طوری که خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان برای آزادی بستگان خود تظاهرات کردند و علیه شاه و استعمار سخن راندند. حکومت هم در این میان برای جلوگیری از مبارزه‌ی زنان خوزستان به روحانیون متوسل می‌شد.

در نهایت با سرکوب و تبعید بسیاری از کارگران مبارز و افزایش مزد و بهبود شرایط کار فضای عمومی به حالت عادی برگشت. تعدادی از رهبران کارگری که پیش از اعتصاب دستگیر شده بودند تا پایان سلطنت رضاشاه در زندان باقی ماندند از جمله علی امید، یوسف افتخاری و رحیم همداد که هر سه پس از آزادی از زندان در تحولات کارگری سال‌های آینده نقش داشتند؛ علی امید به عنوان سازمان‌دهنده‌ی بومی این اعتصاب در مبارزات کارگران شرکت نفت در سال‌های پس از ۱۳۲۰ نقش موثری داشت و بارها به زندان افتاد. بسیاری از تبعیدی‌ها در شهرهای مقصد در مبارزات کارگری صنایع دیگر براساس تجربه‌ی اندوخته شده مشارکت کردند. مهم‌تر از دستاوردها و هزینه‌های اعتصاب برای کارگران، همین تجربه‌ی اندوخته شده بود که توشه‌ای برای مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر ایران گردید.



عکس ۱- علی امید از رهبران مبارزه‌ی کارگران نفت. او پس از سال‌ها تحمل تبعید و زندان در مسیر مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر در سال ۱۳۵۲ از دنیا رفت.

اعتصاب ۱۳۰۸ در مبارزه‌ی کارگران ایران تأثیری عمیق و دامنه‌دار گذاشت. علاوه بر تأثیر داخلی، این اعتراضات برای مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان ملت‌های تحت استعمار امید و برای استعمارگران وحشت آفریده بود زیرا اعتراضات کارگران اقتدار انگلیسی‌ها را زیر سوال برده بود. این بیم و امید در مطبوعات بین‌المللی آن زمان بازتاب یافت.^۴

کارگران پیشرو با آگاهی به این تجربیات می‌توانند **شباهت‌ها و تفاوت‌های زمینه‌ی تاریخی مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر** را در نظر بگیرند تا برای ستیزهای امروزشان از آن بهره ببرند. در این نوشته تلاش می‌کنیم به زمینه‌های بروز این اعتصاب اشاره کنیم تا نشان دهیم همه‌گیر شدن و موفقیت اعتصاب ۱۳۰۸ در آبادان اتفاقی نبوده است.

^۴ مقالاتی در روزنامه‌های مصر و انگلستان در دفاع از نهضت کارگری ایران منتشر شد. مطبوعات اتحاد جماهیر شوروی از اعتصاب کارگران طرفداری کردند. در مقابل روزنامه‌ی تایمز لندن در ۸ مه ۱۹۲۹ این اعتصاب را "تحریکات سرخ در ایران" و کارگران معترض را "اوباش" نامید. به نقل از خاطرات دوران سپری شده.

بازخوانی زمینه‌های مادی اعتصاب

الف) تأسیس شرکت نفت

روابط تجاری بریتانیا و روسیه‌ی تزاری با ایران در اواسط قرن نوزدهم میلادی (هم‌زمان با بر تخت نشستن ناصرالدین‌شاه در ۱۲۲۷ شمسی) و در نتیجه‌ی رواج مناسبات پولی و کالایی، اقتصاد بسته و محلی ایران را دچار تحولاتی کرد. با توجه به تقسیم کار جهانی، کشورهایی چون ایران از سویی به تأمین‌کننده‌ی مواد خام برای کشورهای صنعتی و از سویی دیگر به بازاری برای فروش محصولات آن کشورها تبدیل شدند.

کشاورزی ایران به سمت تولید محصولات حرکت کرد که تقاضای جهانی داشت مانند پنبه، برنج و توتون. با وجود حفظ روابط ارباب رعیتی، مالکین به واسطه‌ی پیوند با بازار جهانی فشار مضاعفی به دهقانان می‌آوردند. این فشار مضاعف دهقانان را مجبور به مهاجرت و جدا شدن از زمین می‌کرد. بسیاری از این مهاجران به روسیه و به طور ویژه قفقاز رفتند تا نیروی کار خود را بفروشند و بخشی دیگر نیز در شهرهای ایران به دنبال کار می‌گشتند. از سویی دیگر با ورود کالاهای ارزان خارجی و بدون وجود موانع گمرکی، بسیاری از صنایع پیشه‌وری ایران ورشکست می‌شدند و پیشه‌وران به فروشنده‌ی نیروی کار تبدیل می‌شدند. این افراد به کارهای فصلی می‌پرداختند و یا در کارگاه‌های کوچک مشغول به کار می‌شدند. در زمان مورد بحث ما، یعنی در همان سال ۱۳۰۸ متمرکزترین صنایع حدود ۵۰ کارگر داشتند. وجود روابط گذشته‌ی استاد-شاگردی و عدم تمرکز سرمایه اجازه‌ی آشکار شدن مبارزه‌ی میان کارگران و سرمایه‌داران را نمی‌داد. تأسیس شرکت نفت در خوزستان، وضعیت متفاوتی را برای این خطه رقم زد.



عکس ۲- احداث خط لوله نفت از مسجد سلیمان به آبادان در سال ۱۲۹۰

شرکت نفت ایران و انگلیس در فروردین سال ۱۲۸۸ پس از گذشت یک سال از کشف نفت در مسجد سلیمان تأسیس شد. تعداد کارگران استخدام شده در صنعت نفت به صورت تصاعدی رشد می‌کرد به طوری که تعداد کارگران ایرانی از ۱۸۸۴ نفر در سال ۱۲۸۹ به ۱۵۲۴۵ نفر در سال ۱۳۰۸ رسید.

کارگران شرکت نفت در مبارزه علیه استعمار انگلستان وضعیت منحصر به فردی یافتند. برخلاف کسبه و اصناف و بخش‌هایی از سرمایه‌داران که پس از عصر اعطای امتیازها حضور انگلستان را مانعی برای رشد سرمایه‌های خود می‌دیدند، کارگران سرمایه‌ای نداشتند. آنان به واسطه‌ی استعمار و تحقیر ملی استثمار مضاعفی را متحمل می‌شدند. از آنجایی که کارفرمای آن‌ها انگلیس بود، بیش از کارگران بخش‌های دیگر ایران با چهره‌ی واقعی استعمار روبه‌رو بودند.



عکس ۳- اسکان اولیه‌ی کارگران نفت در آبادان

حاکمان انگلیسی شرکت نفت علاوه بر نفوذ در دستگاه دولتی ایران و داشتن سرویس امنیتی، از سران عشایر به خصوص شیخ خزعل و نیروهایش برای سرکوب و مطیع کردن کارگران استفاده می‌کردند. آن‌ها میان کارگران ملیت‌های متفاوت در شرکت نفت تفرقه می‌انداختند. توهین به کارگران، جزئی از مسائل روزمره بود. ایمنی و بهداشت محیط کار در وضعیت اسفناکی بود و شرکت در قبال حوادث مسئولیتی را نمی‌پذیرفت. کارگرانی که معترض بودند اخراج می‌شدند و در لیست سیاه (بلک لیست) قرار می‌گرفتند و حق برگشت به کار در شرکت نفت را نداشتند. پیش از سال ۱۳۰۸ نزدیک ۵۰۰ نفر در آبادان در لیست سیاه قرار داشتند. نبود مسکن مناسب، عدم وجود یخ در فصل گرما، دوری مسافت تا محل کار و عدم امنیت شغلی از موارد دیگر وضعیت ناگوار کارگران نفت در آن دوره بود. آنچه بیش از همه‌ی این‌ها آتش کینه‌ی کارگران را نسبت به شرکت نفت برافروخته بود رفتار تحقیرآمیز آن‌ها بود:

«استفاده‌ی زنان کارگر از تفاله‌ی نفت منظره‌ی اسفانگیزی داشت. زنان کارگران پیت‌های نفت را با آن مایه‌ی سیاه که معروف به تفاله‌ی نفت بود پیر کرده و روی سر گذاشته برای پختن نان و سیرکردن بچه‌های صغیر و لخت و گرسنه‌ی خود به طرف اتاق‌های بوریا^۰ روانه می‌شدند. پوشاک آن‌ها عبارت از یک پیرهن بلند و پاره بود که قسمت کمی از بدن را مستور می‌کرد. مایه‌ی سیاهی که روی سر گذاشته بودند در اثر حرکت به صورت آن‌ها ریخته تمام اعضای بدن‌شان را آلوده می‌کرد. انگلیسی‌ها با زن‌های شیک‌پوش خود جلوی زنان ستم‌دیده و صاحب اصلی ثروت و نفت را گرفته از مناظر رقت‌بار آن‌ها عکس‌برداری می‌کردند.

عکس‌هایی که انگلیسی‌ها از زنان و کارگران برمی‌داشتند منظره‌ی رقت‌انگیزی داشت. عکس اسکلتهای نفت‌آلود و متحرک، هر بیننده را متأثر و متألم می‌کرد. متأسفانه این مناظر دردناک اسباب تفریح و سرگرمی و خنده‌ی زنان و مردان انگلیسی مامور حوزه‌ی نفتی خوزستان بود.»^۱

^۰ بوریا نوعی نی است که با آن حصیربافی می‌کنند.

^۱ خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی)

در مقابل، کارگران نیز در سال‌های پس از تشکیل شرکت نفت تجربیاتی در زمینه‌ی مبارزه‌ی جمعی داشتند که در کنار وضعیت ناگوارشان بستر لازم را برای تشکیل‌یابی فراهم کرده بود.

(ب) پیشینه‌های اعتصاب

در سال ۱۲۹۱ پالایشگاه آبادان تأسیس شد. مبارزات کارگران پالایشگاه با ملیت‌های متفاوت از همان سال‌ها آغاز شد. کارگران از ابتدای تأسیس پالایشگاه با سرمایه‌داران در ستیز بودند. این ستیز گاه شکل پراکنده و فردی داشت و گاهی متشکل و جمعی صورت می‌گرفت. تعداد زیاد کارگران متمرکز در این واحد صنعتی باعث شده بود که اعتراضات کارگران خوزستان نسبت به نواحی دیگر ایران کیفیت متفاوتی داشته باشد.



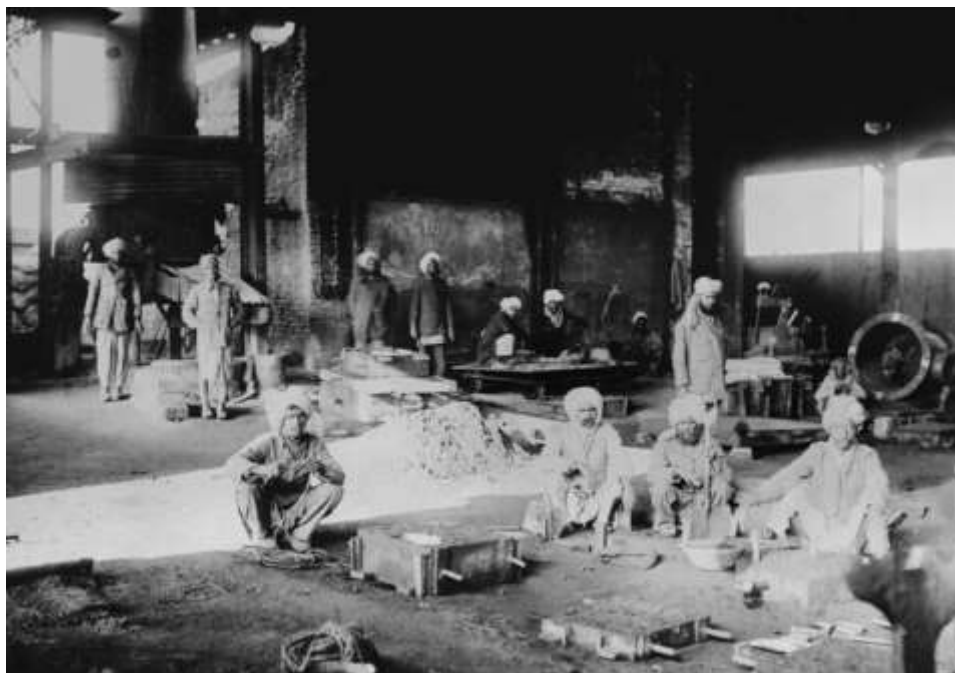
عکس ۴- کارگران در حال ساخت پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۰

در سال ۱۲۹۳ اولین اعتراض کارگری شکل گرفت. دو کارگر در اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند. حمایت شرکت از خانواده‌های دو کارگر جان‌باخته و تأمین ایمنی کار از خواسته‌های کارگران بود. شرکت خواسته‌های کارگران را نپذیرفت. کارگران در آبادان دست از کار کشیدند و به این مسئله با پرتاب سنگ به محله‌ی زندگی کارمندان بریتانیایی پاسخ دادند. شرکت نفت با یاری طلبیدن از مردان مسلح به رهبری شیخ خزعل کارگران را سرکوب کرد.

در سال ۱۲۹۸، کارگران هندی در بستر مبارزه‌ی ضد استعماری هند دست به اعتصاب زدند و با سرکوب شرکت نفت مواجه شدند. کارگران هندی از تجربه‌ی کار جمعی بیشتری برخوردار بودند. هرچند کارگران دیگر ملیت‌ها در این اعتصاب شرکت نکردند اما این اتفاق همدلی آن‌ها را برانگیخت و بر تجربیات آن‌ها نیز افزود.

در آذر ماه ۱۲۹۹، بار دیگر کارگران هندی برای افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار و بهبود وضع بهداشت دست به اعتراض جمعی زدند و این بار با پیروزی مطالبات خود را بدست آوردند. در این اعتراض کارگران ایرانی و عرب نیز به آن‌ها پیوستند و آن‌ها نیز موفق به دریافت اضافه حقوق شدند.

در اردیبهشت ۱۳۰۱، کارگران هندی و ایرانی و عرب برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. کارگران ایرانی و عرب توسط نیروهای شیخ خزعل سرکوب شدند و ۲۰۰۰ نفر از کارگران هندی که بر خواسته‌های خود پافشاری می‌کردند، اخراج و به هندوستان فرستاده شدند.



عکس ۵ - کارگران هندی در واحد ریخته‌گری پالایشگاه آبادان ۱۲۹۹

تحولات اواسط قرن نوزدهم میلادی، مناسبات اقتصادی نوینی را در ایران به وجود آورد که نتیجه‌ی آن شکل‌گیری نطفه‌های طبقات سرمایه‌دار و کارگر بود و ستیز میان این دو طبقه رفته رفته آشکار می‌شد. مناسبات جدید و ستیزهای برآمده از آن بستری را برای سازمان‌یابی کارگران فراهم آورد.

ج) سازماندهی

همان‌طور که اشاره شد ویژگی کارگران ایران در آن دوره این بود که در بنگاه‌هایی مشغول به کار بودند که یا تمرکز سرمایه در آن پایین بود و یا کارشان جنبه‌ی موقت و ناپایدار داشت. با این حال در فضای سیاسی پس از پیروزی انقلاب مشروطه، با تجربیاتی از اعتراضات کارگری روبه‌رو بودیم. اعتصاب کارگران شیلات در شمال کشور، کارگران دباغ‌خانه‌ی تبریز، کارگران چاپخانه، راه‌آهن و کارخانه‌ی برق در تهران از جمله مهم‌ترین اعتراضات جمعی کارگران پس از انقلاب مشروطه است.^۷ مطالبات این اعتصابات مربوط به بهبود شرایط کار شامل افزایش مزد، دریافت مزد در روزهای تعطیل، لباس کار، تأمین ایمنی و بهداشت در محیط کار بود.

مبارزه‌ی کارگران روسیه علیه تزار، عاملی تأثیرگذار در انقلاب مشروطه‌ی ایران بود. رانده‌شدن دهقانان از زمین و مهاجرت آن‌ها به باکو برای فروش نیروی کارشان، فرصتی را برای بهره‌بردن از تجربیات مبارزه‌ی متشکل کارگران انقلابی روسیه در اختیار زحمت‌کشان ایران قرارداد. پیروزی انقلاب کارگری روسیه در سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۵) تأثیری دامنه‌دار بر مبارزه‌ی کارگران و نیروهای سیاسی هوادار آن گذاشت. دانشگاه زحمت‌کشان شرق (کوتو) در راه آموزش سازمان‌دهندگان کارگری برای پیشبرد مبارزه‌ی طبقاتی در کشورهای نیمه‌مستعمره تأسیس گردید. بسیاری از سازمان‌دهندگان کارگری ایران در دوره‌ی رضاشاه در این دانشگاه تحصیل کرده بودند؛ مانند یوسف افتخاری و رحیم همداد از نیروهای سازمان‌دهنده‌ی کارگران پالایشگاه آبادان. این دانشگاه چکیده‌ی دستاوردها و تجربیات مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر در جهان را ارائه می‌داد. در این مقطع تشکل‌های کارگری در کشورهای مختلف درصد ایجاد همبستگی

^۷ اعتصاب‌های نامبرده در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ شکل گرفتند.

جهانی برای مقابله با سرمایه‌داری و استعمار بودند. انترناسیونال سرخ اتحادیه‌های کارگری (پروفینترن) در سال ۱۹۲۱ (۱۲۹۹) به این منظور تأسیس گردید و کارگران و مبارزان انقلابی ایران نیز با این تشکل جهانی در ارتباط بودند.

تحولات ایجاد شده در اثر تأسیس شرکت نفت، نفرت از انگلیسی‌ها و ایادی آن مانند شیخ خزعل و وضعیت نامساعد کار و زندگی، اعتراضات جمعی اما نه چندان متشکلی را به وجود آورده بود. یوسف افتخاری، رحیم همداد، ایوب شکیب، علی آوینی و چند تن دیگر از سازمان‌دهندگان بودند که پس از سال ۱۳۰۶ در خوزستان فعالیت می‌کردند و با قرار گرفتن در بستر مبارزه‌ی موجود کارگران به تشکلیابی کارگران خوزستان یاری رساندند. گسترش شبکه‌ای از کارگران پیشرو بود که توانست اعتصاب ۱۳۰۸ را حتی پس از دستگیری رهبران‌ش به پیش برد و در دل انگلیسی‌ها و دولت ایران وحشت اندازد.

برای درک دقیق‌تر تأثیر سازماندهی در شکل‌گیری اعتصاب ۱۳۰۸، نکاتی را از فرایند آن بازگو می‌کنیم. با وجود تفاوت‌های بسیاری که در طول صد سال گذشته طی کردیم، بسیاری از نکات هم‌چنان تازگی خود را از دست نداده است.

سازمان‌دهندگان کارگری با تحلیل تحولات اقتصادی-سیاسی در ایران ضرورت شکل‌گیری مبارزه‌ی متشکل کارگری را دریافته بودند. سازمان‌دهندگان کارگری در خارج از خوزستان، پس از تأسیس شرکت نفت با توجه به تمرکز بالای سرمایه، بستر مناسب خوزستان را برای پیشبرد مبارزه‌ی طبقاتی تشخیص داده بودند اما اطلاع دقیقی از وضعیت زندگی و مناسبات کاری در این خطه نداشتند. این سازمان‌دهندگان که با تشکیلات بین‌المللی کارگران (پروفینترن) در ارتباط بودند با ورود به مناطق نفت‌خیز خوزستان ضرورت **شناسایی کانون‌های تمرکز کارگران** را تشخیص دادند. یوسف افتخاری در سال ۱۳۰۶ وارد خوزستان شد و در مرحله‌ی اول با استفاده از اطلاعاتی که بدست آورد، آبادان را به عنوان مرکز کارگری تشخیص داد.^۸ او پس از ورود به آبادان به شناخت شهر، شناسایی محله‌های کارگری، **شناخت جزئیات زندگی کارگران** و کمبودهای آن‌ها می‌پردازد. برای سازماندهی کارگران پالایشگاه آبادان راهی جز **یافتن شغل و ورود** به پالایشگاه نبود. کارگران جلوی اداره‌ی استخدام جمع می‌شدند و انگلیسی‌ها افراد قوی‌هیکل را برای کار انتخاب می‌کردند. دو ماه طول کشید تا یوسف افتخاری استخدام شود. در این مدت برای گسترش ارتباط و شناخت بیشتر در تفریحات کارگران بیکار شرکت می‌کرد. در روز استخدام کارگران را به اداره‌ی پلیس شرکت نفت می‌بردند. در آنجا انگلیسی‌ها با کارگران رفتاری تحقیرآمیز داشتند و به ایرانی‌ها ناسزا می‌گفتند. در روز استخدام این رفتار موجب عصبانیت افتخاری شد اما از آنجایی که برنامه‌ای درازمدت داشت از غرور بی‌جا و درگیری پرهیز کرد و مراحل استخدام طی شد و وارد پالایشگاه آبادان شد.

^۸ شناخت و ورود او به آبادان از طریق علی آوینی که در اداره‌ی فرهنگ کار می‌کرد میسر شد.



عکس ۶- محله‌ی کارگری احمد آباد (لاین ۱) در آبادان

تا اینجا مقدمات کار با شناسایی آبادان و ورود به پالایشگاه انجام شده بود. افراد تازه استخدام شده جهت کارآموزی به ورکشاپ می‌رفتند.^۹ افتخاری در این مرحله همراه با **آموختن مهارت‌های اولیه‌ی کار فنی**، از بستر موجود برای **تحقیق و شناخت محیط** کار استفاده کرد، زیرا امکان گشتن در پالایشگاه برای او فراهم شده بود. او در این مرحله در جست‌وجوی کارگرانی بود که در اعتراضات جمعی گذشته سابقه‌ی مبارزه داشتند و یا انگیزه‌ی بیشتری برای مبارزه داشتند، به طور خلاصه **در جست‌وجوی کارگران آماده‌تر** برای پیشبرد مبارزه‌ی جمعی بود. در عین حال تلاش او برای ایجاد حس همبستگی میان کارگران کارآموز برای مقابله با ستم کارفرما و نمایندگانش نیز بود.

شعبان کاوه، کارگر جرثقیل اولین نفری بود که در نطفه‌ی اولیه‌ی اتحادیه‌ی کارگری وارد شد. او سابقه‌ی مبارزه با نیروهای شیخ خزعل را داشت و آدم پاک، عاقل و با تجربه‌ای بود و شناخت خوبی از آبادان داشت. او حسنعلی ثابتی را به عنوان دومین نفر به افتخاری معرفی کرد. سومین نفر نیز نجاری بود به نام وفایی. ارتباط با این افراد با **کسب اعتماد و شکل‌گیری رابطه‌ی صمیمانه** آغاز گردید و تا رفت‌وآمد خانوادگی پیش‌رفت و در این بستر بود که وضوح بخشیدن به ضرورت کار جمعی ممکن می‌شد. در حوزه‌های شکل‌گرفته محبوب‌ترین، فعال‌ترین و مطمئن‌ترین کارگران شرکت داشتند.

پس از آن گسترش اتحادیه در آبادان و شهرهای اطراف آن را هدف قرار دادند. انگلیسی‌ها با ایجاد فضای امنیتی مانعی در برابر این هدف بودند. آغاچاری اولین شهر همسایه بود که در آن ارتباطاتی ایجاد شد و در شهرهای دیگر نیز با توجه به بستر نفرت عمومی و سابقه‌ی قبلی مبارزات شرایط آماده بود. شبکه‌ی ارتباطی کارگران پیشرو در سال ۱۳۰۷ چنان گسترش یافته بود که با ورود رحیم همداد به آبادان توانستند به راحتی برای استخدام او تدارک ببینند. رحیم همداد، یوسف افتخاری، علی امید، حسنعلی ثابتی و وفایی که همگی در پالایشگاه کار می‌کردند استخوان‌بندی اتحادیه را تشکیل دادند و میرایوب شکیبیا، علی آوینی و افرادی دیگر نیروهای پشتیبان اتحادیه بودند.

^۹ ورکشاپ بیش از آموزش مهارت، مرکز ذخیره‌ی کارگران برای واحدهای دیگر بود.

با گسترش اتحادیه، نیاز به **فعالیت عمومی در شهر** و جذب نیروهای پشتیبان برای اقدامات عملی کارگران در آینده تشخیص داده شد. این نوع فعالیت عمومی متفاوت از فعالیت در محیط کار بود. برای این کار به **تأسیس باشگاه ورزشی** کاوه اقدام کردند. باشگاه ورزشی محل امنی برای ارتباط کارگران بود. در آن زمان ایرانی‌ها باشگاهی در آبادان نداشتند. باشگاه با حمایت نیروهای ضد انگلیسی تأسیس شد و جمعیت زیادی به باشگاه رفت و آمد می‌کردند. استانداری بعد از دو ماه و نیم باشگاه را تعطیل کرد.

همراه با گسترش اتحادیه **آموزش اعضا و تقویت استخوان بندی** اتحادیه ضروری بود. بنابراین اتحادیه اقدام به برگزاری مدارس شبانه‌ای کرد که آموزش‌های لازم را برای فعالیت اتحادیه‌ای ارائه می‌داد.

سازمان‌دهندگان اتحادیه در هر ستیز روزمره و در مقابل ناملایماتی که بر کارگران تحمیل می‌شد مداخله می‌کردند و به این ترتیب اعتماد به نفس و امید کارگران به کار جمعی را افزایش می‌دادند. اتحادیه **پیش‌قدم در اعتراضات کارگران** بود. اگر حادثه‌ای کاری اتفاق می‌افتاد و کارگری مصدوم می‌شد اتحادیه به یاری او می‌شتافت.

تا اواخر سال ۱۳۰۷ با توجه به شرایط استبدادی امکان برگزاری کنفرانس اتحادیه نبود. در این مقطع برای تصمیم‌گیری پیرامون آینده‌ی اتحادیه برگزاری کنفرانس ضروری بود. برای جلوگیری از لو رفتن، سازمان‌دهندگان تصمیم گرفتند کنفرانسی در روزی تعطیل در خارج از محیط شهری در نخلستان‌های ساحل بهمن شیر برگزار کنند و پیش از موعد مورد نظر، اعضا از برگزاری آن با خبر نشوند. هم‌چنین تصمیم گرفتند زمان آن بیش از ۱۲ ساعت نشود. در اولین کنفرانس ۴۸ نفر از نمایندگان کارگران شرکت کردند و ضمن گزارش فعالیت‌ها، پیرامون تصویب برنامه‌ی اتحادیه بحث کردند. آن‌ها درباره‌ی مسائل جاری و ضرورت ارتباط با تشکیلات بین‌المللی کارگران صحبت کردند. در نهایت هیئت‌مدیره‌ی اتحادیه با رای‌گیری انتخاب شد و هر یک از اعضای هیئت، مسئولیت پیشبرد بخشی از کارهای اتحادیه را بر عهده گرفت.

رهبران اتحادیه با **صرفه‌جویی و اتکای مالی به جمع** خود توانسته بودند اعتماد عمومی کارگران را جلب کنند. اتحادیه با حق عضویت کارگران اداره می‌شد. اتحادیه مراقب بود که آلوده به کمک‌های مالی خارج از طبقه‌ی کارگر نشوند زیرا اعتقاد داشتند وابستگی مالی زمینه‌ساز وابستگی سیاسی نیز می‌شود.

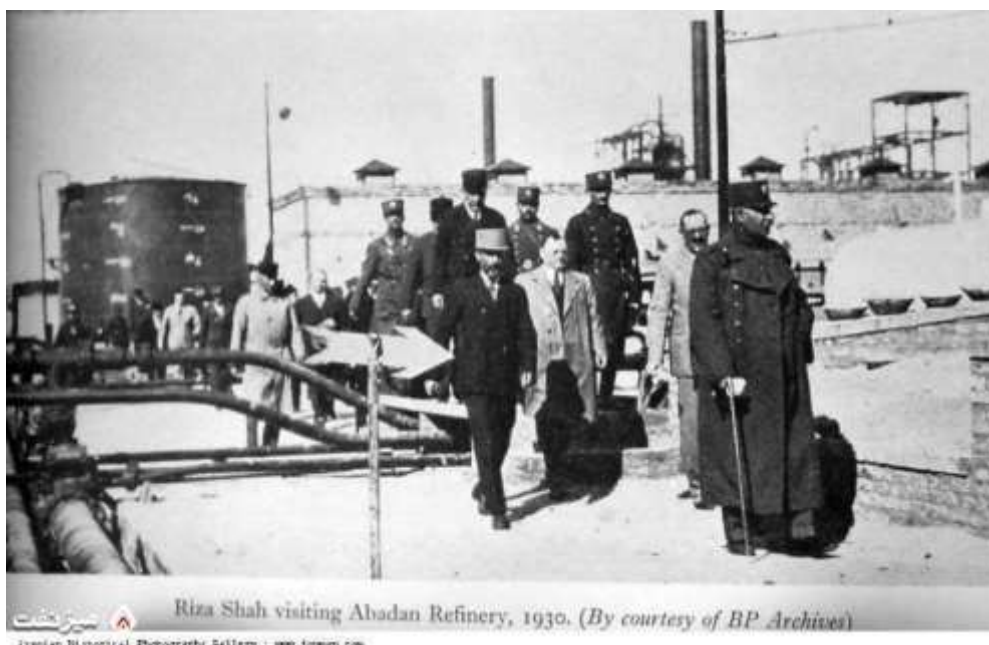
اتحادیه وقتی با کارگری ارتباط برقرار می‌کرد، **ارتباط با خانواده‌ی کارگر** را نیز در دستور کار می‌گذاشت و به این ترتیب همسران و فرزندان کارگران را نیز به اهداف اتحادیه جلب می‌کرد. هم‌چنین کلاس‌هایی را برای همسران کارگران دایر کرد. پس از دستگیری رهبران، زنان نقش مهمی در اعتصاب ۱۳۰۸ یافتند. در واقع روابط ایجاد شده توسط اتحادیه وضعیت همسران کارگران را نیز تغییر داد. شرکت در جلسات اتحادیه و آموزش‌هایی که اتحادیه ارائه می‌داد این تغییر را به وجود آورده بود. از زنان تاثیرگذار در اعتصاب ۱۳۰۸ زهرا، همسر صادق، بود. او سخنرانی فراخوان اعتصاب را در جلوی شرکت نفت انجام داد.

با ورود جان کدمن، در اوایل سال ۱۳۰۸ اتحادیه تصمیم گرفت که با تمام قوا علیه تمدید قرارداد داری مقاومت کند. در همین مقطع بود که پیش از برنامه‌ریزی برای اقدامات عملی، بر اساس حوادثی اتحادیه لو می‌رود^۱ و رهبران آن دستگیر می‌شوند. دستگیرشدگان، زندانی شدن را امتداد و بخشی از مبارزه‌ی طبقاتی قلمداد کردند و در مقابل

انگلیسی‌ها فضای امنیتی را در مناطق تحت نفوذ خود ایجاد کرده بودند. درگیری اتفاقی و شخصی میان دوکارگر سبب می‌شود که یکی از کارگران وابستگی کارگر دیگر را به اتحادیه نزد مسئولین شرکت فاش کند. این مسئله منجر به تفتیش خانه‌ی او و پیدا کردن اساسنامه‌ی دست‌نویس می‌شود. انگلیسی‌ها ابتدا گمان می‌کردند اتحادیه به باشگاه کاوه محدود می‌شود و افراد مرتبط با آن را دستگیر می‌کنند دستگیری‌های اولیه براساس این مسئله آغاز می‌شود تا اینکه به تدریج تمامی افراد موثر در اتحادیه را بازداشت می‌کنند.

تهدید و تطمیع زندان بانان مقاومت کردند. علی امید، رحیم همداد و یوسف افتخاری ۱۳ سال را در زندان گذراندند. با وجود سرکوب و دستگیری‌ها، نتیجه‌ی سازماندهی دو ساله با رعایت ظرافت‌های آن، اعتصاب شکوهمند ۱۳۰۸ بود که مهم‌تر از دستاوردهای کوتاه مدت، تأثیری دیرپا و دامنه‌دار بر مبارزه‌ی کارگران نفت و هم‌چنین کلیه‌ی کارگران ایران گذاشت.

همان‌طور که ذکر شد، بخش‌هایی از سرمایه‌داران حضور انگلستان را مانعی برای رشد صنایع و سرمایه‌های خود می‌دیدند و در نتیجه از مبارزه علیه استعمار حمایت می‌کردند. گرایش‌هایی در دولت رضاشاه نیز از سهم‌خواهی روزافزون انگلستان آزرده بودند. فرایند اعتصاب ۱۳۰۸ خوزستان رنگ و بوی طبقاتی به مبارزه علیه استعمار بخشید که در نتیجه‌ی آن قشون رضاشاه و انگلستان را برای سرکوب کارگران در کنار هم قرار داد. پس از پایان فضای اعتراضی، رضاشاه با ورود به آبادان و افزودن مزد و مزایای کارگران درصدد بهره‌برداری از وضعیت بود. زمانی‌که طبقه‌ی کارگر نتواند اعتراضات خود را متشکل کند، حاکمان حتی اعتراضات آن‌ها را به وسیله‌ای برای پیروزی در رقابت میان خود تبدیل می‌کنند؛ اما در این مورد تجربه‌ی انباشته‌ی کارگران نفت در اثر سازماندهی در زمینه‌ی تحولات جامعه‌ی ایران برای مدت‌ها اجازه‌ی چنین کاری را به جبهه‌ی دشمنان طبقه‌ی کارگر نداد.



عکس ۷- دیدار رضاشاه از پالایشگاه آبادان در پاییز ۱۳۰۸

پایان

با وجود تفاوت‌های وضعیت مشخص سیاسی- اقتصادی امروز با صد سال گذشته، آموختن از ظرافت‌های سازماندهی مربوط به آن دوران همچنان ضرورت دارد. مشاهده‌ی وضعیت طبقه‌ی کارگر انگیزه‌ی اولیه‌ی است برای مشارکت در مبارزه‌ی کارگران برای هر که از ستم طبقاتی نفرت دارد. شور و شوق برخاسته از این انگیزه هرچند ضروری است اما برای پیشروی مبارزه‌ی کارگران کافی نیست. آموختن از تجربه‌ی مبارزه‌ی جمعی کارگران در گذشته می‌تواند با تجربه‌ی مبارزه‌ی هم‌اکنون کارگران ایران آمیخته شود و به پیشروی آن یاری رساند. براین اساس، مروری خلاصه از تجربه‌ی کارگران خوزستان با توجه به شرایط امروز ارائه دادیم. کار جمعی و منظم کارگران پیشرو که به این ظرافت‌ها آگاه‌اند امکان پیشروی کارگران را در محیط کار فراهم می‌کند.